

حقیقت

۳ تیر ۱۳۵۹

شماره ۸۱۵

در دادگاه 'تقی شہرام' جنبش کمونیستی و انقلابی ایران 'محاكمه' میشود

خطر کودتا هنوز باقی است، هوشیار باشید!

پس اریکسال که دارودسته های
فداانقلاب ومرتجع ماجرای تقی شہرام
و شریف واقفی را دستاویزی جهت
بیش بردن تبلیغات شوم ضد کمونیستی
وفدا انقلابی خود قرار دادند و احسا -
سات پارهای از هم میهنان نا آگاه ما
را بر سر آن برانگیختند اینک دادگاه
انقلاب اسلامی " برای با مصلاح رسید
گی به پرونده تقی شہرام کا زخود را
آغاز کرده است ، کسانی که طی یکسال
گذشته خوددهیا تن از اعضا و هواداران
سازمان مجاهدین خلق را به گلوله
بسته و شهید کرده اند ، کسانی که طی
یکسال گذشته هزاران سرودست از هواداران
داران مجاهدین خلق را شکسته اند و
کسانی که طی این مدت از هواداران
مجاهدین خلق چشمها کور و شکمها یاره
بقیه در صفحه ۵

بختیار ، آمریکا ، عراق و اسرائیل و
مصدر در این توطئه دست داشته و قرار
بوده که با یگانه هوایی حرب صورت ستاد
فرماندهی بختیار درآید ، بدنبال
کشف این توطئه تعداد زیادی از
نظامیان در شهرهای تهران ، همدان
و اهواز دستگیر شده و برخی از آنان
شیر در جریان زد و خورد با سداران
کشته شدند ، تیمسار مهدیون فرمانده
اسبق نیرو هوایی جمهوری اسلامی و
بقیه در صفحه ۲

" کار ترا خیرا گفته است که اگر ۵ کروگان جاسوس آزاد شوند
ایران "بهای سنگینی" خواهد پرداخت . این سخن ممکن است برای
امروز و فردا جدی نباشد . ولی برای ماههای آینده و سال بعد و یا بعد از
آن حتما جدی است و باید جدی گرفته شود . این "بهای سنگین" چیزی
جز انجام یک تاج و زکسرتده - نظامی به خاک ما و با طرح ریزی یک کودتای
و حیا نه امپریالیستی نمی تواند باشد .
(به نقل از "حقیقت" شماره ۵۱ - ۴ دی ۵۸) رجوع شود به کا در وسط صفحه ۲

اخبار پنجشنبه شب گذشته صدا و
سیمای جمهوری اسلامی ایران خبر از
کشف یک کودتای نظامی در پایگاه
هوایی "حر" و دستگیری بسیاری از
عاطلین آن داد . از قرار کودتا چنان
میخواستند تا با در اختیار گرفتن
این پایگاه و تبدیلش به یک "ستاد
عملیاتی" ، کودتا را از آنجا سازمان
دهند و قصدشان این بوده تا برای شروع
کار ، اقامتگاه آیت اله خمینی در جم -
ران ، مدرسه فیضیه قم ، مقر ریاست
جمهوری و نخست وزیری و پادگان ولی
عمر و برخی مراکز مواضع دیگر را
بسیاران کرده ، پس از آن برخی از نقاط
حساس را تصرف نموده و اعلام حکومت
جدید را بنما یند ، گفته میشود که

ما و 'وحدت انقلابی'

در جهت "تدقیق طرحهای فوق و تدوین
یک پلان تفرم ایدئولوژیک - سیاسی"
وحدت هشت گروه حاصل گشته است .
ضمنا در اطلاعیه یا د شده وعده داده می -
شود که "پلاتفرم ایدئولوژیک - سیاسی
بقیه در صفحه ۹

در نیمه دوم فروردین ماه ما
سازمانی از وحدت هشت گروه کمسو -
نیستی بنام "وحدت انقلابی برای
آزادی طبقه کارگر" اعلام گردید .
بنابراین نخستین اطلاعیه این سازمان
بنام "بیانیه وحدت" ، گروههای
تشکیل دهنده پس از یک دوره بحثهای
مقدماتی بر سر طرح و پلاتفرم ایدئو -
لوژیک - سیاسی مشترکی توافق پیدا
کرده و سپس با انحلال و وحدت خویش در
یک تشکیلات واحد به فعالیت مستقل
گروهی یا یان داده اند ، در اطلاعیه
یا د شده میخواستیم که تعدادی از گروه
های تشکیل دهنده سازمان جدید از
امضاء کنندگان طرح مشترکی هستند
"که تحت عنوان 'وحدت' ، مسئله مرکزی
و محوری نیروهای مارکسیست -
لنینیست در بهمن ۵۸ انتشار
خارجی یافت . و حال آنکه برخی
دیگر از گروهها "طرحهای منابھی"
داشته اند که پس از بحثهای مقدماتی

زنان، حجاب و مبارزه ضد امپریالیستی

بدنبال موج "ظا غوت زداشی" در
ادارات ووزارتخانه های دولتی که
پس از سخنرانی آیت اله خمینی در این
بار به شکل "آرم زداشی" بالا گرفت ،
برخی از محافل واپسگرای مذهبی ،
همه مسائل کشور را کرده به یاد
"عفت عمومی" و ضرورت "پوشش اسلامی"
افتادند و مسئله حجاب به پیش کشیده
شد و همه ادارات ووزارتخانه ها
بخشنا ما در کردند که از این بیحد
شیخ زنی بدون "پوشش اسلامی" حتی
زور و به این سر اگزرا نداشته و در صورت
عدم اجرای این دستور زنان خاطمی
اخراج خواهند شد ، دست اندرکاران
این جریان یک راهیماشی نیز برای
انداختند ، که نه تنها کاری به کار
"ظا غوت" نداشت ، بلکه مسئله مرکزی
اش بگرد "حجاب" یا رجای ، و تحریک
علیه سازمان مجاهدین خلق دور میرزد ،
همزمان با بالا گرفتن این جریان
سیاری از زنان طبقات متوسط و
جامعه و سوبیزه زنان کارمند و معلم و
پرستار ، به اعتراض برخاستند و جریا -
بقیه در صفحه ۴

**تشدید استعمار
کارگران با
"مبارزه با
امپریالیسم"
صفحه ۱۲**

**"دکه داران"
صفحه ۶**

خطر کودتا هنوز باقیست

بقیه از صفحه اول

تیمسار محقق فرمانده سابق ژاندار - مری جمهوری اسلامی بعنوان کسردا - زندگان اصلی این کودتا بازداشت شده اند و تا بیست و یک روز در بازداشت با زدن با قری فرمانده سابق نیروی هوایی جمهوری اسلامی و دکتر مدیعی یکی از امپره‌های با نفوذ و کینه کار جناح هوا دار ریختن رو ز سران سابق جبهه ملی (که اخیراً از آن کناره گیری کرده بود) بکوش خورده است و چنین بنظر میرسد که با قری را برخی از پرسنل مبارز دستگیر کرده و سپس مجبور به آزاد کردن وی شده اند. فرمانده گردان شیب هوا ریز جزویا زدا شستندگان میباید و گفته میشود که در جیبش مدارکی در مورد نقشه های این کودتا بدست آمده است.

هنوز اطلاعات واضحی در باره این کودتا تا فرجام و عوامل آن منتشر نشده است و فقط آقای بنی - صدروسا پیر سران جمهوری اسلامی عظام کرده اند که از یک ماه پیش با بنظر طرف در جریان بوده اند و سر نیز نگاه مح کودتا جیان را گرفته و این نوظهره را عقیم گذارده اند. میگویند فرار بوده است تا همزمان با پیدا شدن نقشه های قوم کودتا جیان ، ارتش یعنی عراقی تسر حملاتش را از این داده و به خاک ایران تها و زینا بدویزور ارتش عراقی بسگ منطقه " آزاد " در غرب کشور ایجاد نمود تا در آن کودتا جیان اعلام حکومت نماید.

ما از مدتها پیش بنویسه خویستی در باره نقشه های پلیدی که کودتا جیا در سر راه رند و خطری که از جانب عوامل ارتجاع و امیریا لیسیم ، کشور و انقلاب ما را تهدید میکند ، هشدار و اعلام آماده باش داده بودیم و مخصوص بر منبع اصلی کودتا جیان ، یعنی نیروهای سدگان ارتش و ضرورت رسیدگی هر چه فوری تر و تا جل نبرود وضع این توانا - گند و ورزیده بودیم و اینک لازم میاید نسیم تا با بدستگراسی هشدار و گند و آسار - دیگر نگراسیم و سیم و سیمه - سردم ایران را به خطری که کما کان ما را تهدید می نماید جلب کنیم .

بدینحال نکست تها و زینا می آمریکا در طیس سر ملا شده که آمریکا شیان

اندا از بر ملا شدن تمام قضا یا و منا - بع اعلی این کودتا جلوگیری و نگار را با دستگیری یکی دو تیمسار تمام شده قلمداد نمایند. تا زمانیکه نیروهای سدگان ارتش بوضع فعلی با نی بمانند ، تا زمانیکه کلیه عوا - مل ساواک دستگیر و مجازات نشوند ، تا زمانیکه دستجات مسلح مزدور مفتوح - دالی و غیره ای در اقصی نقاط کشور آزادانه فعالیت کنند ، تا زمانیکه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ و یا دای آنان موقعیت کنونی خود را حفظ نکنند خطر کودتا از بین نخواهد رفت و اینان مطمئنا در فرصت و مناسبی دیگری با زهم دست بکار خواهند شد. با گذشت یکسال و نیم از سرنگونی دربار پهلوی ، عوا - مل کودتا هنوز در ای آنچنان قدر - تی هستند که فقط بحثی از آنان قا - درند توطئه ای با ابعاد ای این چنین را سا زمان دهند ، آنها میتوانند فقط از یک پایگاه هوایی بین ۲۵ تا

بقیه از صفحه اول " ۵ - حرکت سریع برای شناسایی و طرد حاکمان و همسنان آمریکا و رژیم سابق در ادارات و موسسات کشوری و لشگری بخصوص ارتش . که به غیر از سابق سیاه سازی از مرزها بدان آن. بنا به نواهد و ردیهای دیده شده ای نقشه های دور و درازی را برای انجام خرابکاری و کودتا در سطح مختلف با همکاری از روسای و بزرگان رژیم گذشته و بختیارهاش در دست دارند . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۶۵ ، ۲۶ / ۵۹۱) رجوع شود به کا در وسط صفحه ۲

۵۵ جت جنگنده را بر علیه انقلاب به پرواز درآوردند و سران کودتا شیان سر از جیب فرمانده تسب اهاوز سردر آورد. علت حق دار دبیرید ، چرا ؟ چرا هنوز وابستگان به رژیم سابق و امیریا لیسیم آمریکا از چنین موقعیتی بی - خورد دارند ؟ چرا ساواکی ها را بخشید - ید تا امروز بر علیه انقلاب توطئه به - چینند ؟ آیا اینست مفهوم " تعقیبه انقلابی " که اینقدر سنگش را به سینه میزدند ؟ چه مقامی به این شتولات پا حکومت ؟

امروز که این توطئه کشف و سر - کوب شده است ، هر کس میخواد هشدار امتیازش بنا نام و ثبت شود ، لاکسن هیچکس حاضر نیست بپذیرد که خودش نیز سوغی زمینها را این توطئه نوم بوده و به آن پا داده و کما کان میدهد. آقای بنی صدر مدعی است که ایشان از یکجا هیش در جریان امر فرار داشته و مرا قبا و فاع بوده است ، سران حزب جمهوری اسلامی نیز همین ادعا را کرده اند. اما هیچکس حاضر نیست به مردم ما جواب دهد که در این دوران چقدر مشخصی برای جلوگیری از این توطئه نموده اند. چرا شما شیان

داستید افراد تسب " نوهه " اکثرا - از کلاه سزهای سرسیده ، رژیم شاه هستند و قسم و نادارینان راهنوز نگار میکنند ، اینان را دستگیر و خلع سلاح نگردید ؟

با حرکت از این فرصت که سردم - داران حکومت از یکجا هیش از جریا - نات مطلع بوده اند ، ضروری میاید - نسیم که توجه مردم ایران را به عملکرد این حضرات در طول این مدت جلب کنیم . ما از مدتها پیش هشدار داده ایم که توطئه های شومی در شرف تکوین میباید و عوا مل ارتجاع و امیریا لیسیم مشغول سازماندهی و تجهیز قوا هستند و قبل از هر چیزی باید دست این سر - نجین را از جان انقلاب گونا ه کرد ، هشدار داده ایم که آنها شیان که در پی میاید ف خاص خود مردم را در برابر یک دیگر قرار میدهند و بجای یکگیری عوا - مل ارتجاع ، سرکوب نیروهای انقلاب بی را در دستور کار خود قرار داده اند در عمل زمینها را برای اجرای توطئه - کودتا آماده میگردانند ، اخطار کردیم که دامنه جنگ تحمیلی به مردم کردستان عملا بسواد ارتجاع و امیریا - لیسیم تمام شده و راه را برای تاخت و تاز ارتش کودتا با زمینمایید ، هشدار داده ایم که دست گذاردن به روی مسائل فرعی ، آنهم بشمول ای تحمیلی ، ادا نموده وضع بحرانی اقتصاد دوسیا ست کشور ، ادا نموده اخراج کارگران و حمله به شوراهای کارگری و . . . اینها همه زمینها را برای کودتا جیان آماده می - کند و لایه های وسیع تری از مردم را از انقلاب ما بیوس کرده ، آنها را بسوی وعده های فریبکارانه کودتا جیان سوق میدهد ، لاکن می بینیم که دست اندر کاران حکومت دنیفا همین کار ها را ادا داده اند و کما کان نیز می - دهند .

سران حزب جمهوری اسلامی که سینگ برخی از آنان در پیس برده بسا سران اصلی کودتا زد و بسندارند و کذب شده ، سیاهان آنان را به ارتجاع و امیریا لیسیم مرشبط مینمایند ، در یک ماهه گذشته تا توانستند به سیمه چینی بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی و همچنین دامن زدن بسه اغتشاش و شرفه کوشیدند . آنها سر - دمدا را ایجاد در جیان ندانقلابی سر علیه سازمان مجاهدین خلق و نویسندگان اصلی مطنفا مه " مرتجعانه " را هیما - شیان گذاشتی اخیر میا نند ، آنها بحر - کس اصلی دستجات و با بدهای سیاه چاقی بدست و سرگوبگر آزادی اند ، آنها بسبب از همدا صرا دارا دامنه جنگ

بقیه در صفحه ۲

خطر کودتا هنوز با قیامت ۵۵۵۵۵

بقیه از صفحه ۲

تحمیلی به مردم کردستان دارند ، آنها همه مسائل را رها کرده به "حجاب" و پوشش اسلامی " چسبیدنوبی سبب به جریاناتی پا دادند که سودش بسه جیب کودتا چنان می رود . لبه تیسز حملات و اعمال آنان آشکارا متوجه نیروهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب بود و دست و هیچ عملکردی بهتر از این زمینه را برای کودتا چسبان آماده نمیکنند .

آقای بنی صدر در رفتار با حزب جمهوری اسلامی و به منظور برپا شدن رژیم " قانونی " سوزوئی ، نظم و امنیت " را چسبید و زیر این عنوان برخطراتی که این انقلاب را تهدید میکند چشم فرو بست و در مقام فرماندهی کل قوا همان فرماندهان و اسرای سابق را صرفاً " جا بجا کرد و میکشند و بخشنا به پشت بخشنا به جهت حفظ " سلسله مراتب " در ارتش و " اطاعت " از فرماندهان صادر کرد . روزنامه ایشان بیکروزی از انتشار اخبار مربوط به نقشه کودتا در سرقا له ای زیر عنوان " زمینه های داخلی کودتا " (انقلاب اسلامی ، ۲۱ تیر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۵۱) چنین عنوان میدارد که زمینه های کودتا آمریکا را به انجام این کودتا ترغیب نموده ، همان تا از میان رفتن " حاکمیت دولت " و ایجاد " جوهر و مرج " میباشند و در نتیجه به منظور جلوگیری از تکرار چنین توطئه های ضروری است تا هر چه زودتر " حاکمیت دولت " در همه جا برقرار شود و از " دخالت " مقامات " غیر مسئول " در امور دولت جلوگیری بعمل آید . این آقایان مثل اینکه در این یکسال و نیمه در ایران زندگی نمی کرده اند و یا چشمشان نتوان دیدن واقعیات را ندارد . بدبختی کشور ما و زمینه ساز توطئه های کودتا چنان ، نه صیغ بودن " حاکمیت دولت " بلکه وجود همین حاکمیت لیبرالی و سازنگاران است که پایه ها و منابع اصلی ارتجاع و کودتا را آزاد گذارده و با آنان مساوات میورده حاکمیت این دولت و دولت قبل از آن ، یعنی آزادی ساواکی ها و فرمان عفو ، یعنی سا-

زش با سرمایه داران و وابسته و فئودالها یعنی که با یزدی زریه انقلاب تا بود شوند ، یعنی گرنش و سازش دربر بر امری ملیسم آمریکا ، یعنی حفظ نهادهای ارتجاع و کودتا خیز چون ارتش . " حاکمیت " دولت کنونی

یعنی این . آنوقت شما دلیل کودتا را در عدم وجود چنین حاکمیتی جستجو میکنید؟ و یا شاید گمان میکنید که اگر چنین حاکمیتی کاملاً و آنطور که شما میخواهید برقرار شود ، دیگر آمریکا نیز به کودتا نخواهد داشت . تا بد چنین باشد ، لکن در هر حالت مردم ما با ندادن کافیه نتایج این " حاکمیت " را دیده اند و نه تنها خواستار آن نیستند ، بلکه میخواهند که شما ها و امثال شما کنا رفته و کار بدست نمایندگان حقیقتاً " انقلابی " و خدا میریالیست خودتان بیفتد ، تا چنان دماری از روزگار منابع کودتا چي در آورند که دیگر کسی بفرک کودتا نیافتد .

درون هیئت حاکمه سؤدد برد آورده مسئله عمده این کودتا تبدیل گردا - بند . اینان که قبیل از قیام خودشان با هویزرها و بختیا رها نشست و برخاست داشتند و در توطئه " انتقال مسالمت آمیز قدرت " با بختیا زد و بست می کردند ، حالا یکبار به فکر " آنتاشی " که بختیا رها را میپروا راند " (نقل به معنی از قطعنامه " راهیما نیسی " اخیر) افتاده اند و در حالیکه افرادی چون مظفر بقاشی ها که در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دست داشتند در دامن خود حفظ میکنند ، علم مبارزه با چر - یانات " ملی گرا " را برداشته اند . همانطور که ما بیشتر نیز خاطرنشان ساختیم ، جناح های از این چر - یانات " ملی گرا " (چون حزب ایران قاسمی و کسانیکه چون مدیسی) خط ارتباط با آمریکا و عوامل کودتا هستند و پرونده آقای امیرانتظام نیز بر کسی پوشیده نیست ، لکن سران حزب جمهوری اسلامی قصدشان از مبارزه با این " ملی گرایان " نه پاک کردن مفوق نهفت آنان از این عنا - صروجنا حها ، بلکه زدن رقیب در هیئت

بقیه از صفحه ۲ " ما به همگان هشدار میدهم که انقلاب ایران جدا " در خطرات و خطریک کودتای وحشیانه آمریکا بی نامی کشور در در تپه س چندان دور سدید میکند . ندادن اجرای عملی این کودتا از هم اکنون آغاز و از سر فرماندهی و تشکین هدایت میشود . هم اکنون فرماندهان ارتش و هسته های مداخلاتی افسران بازنشسته و شاغل در کار رتدا رک یک رفته س - طکه های بزرگ هستند و با جناحها و انقلاب در اروپا و ما موران و جاسوسان آمریکا و انگلیس در تماس دائمی بسر میبرند . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۷۱ - ۲ خرداد ۵۹)

" همانطور که انتظار هم میرفت مخاطب اصلی و طرف توجه و میداین دارو دسنه های فراری (بختیا رواویسی و ...) برای انجام کودتای ارتجاعی و تصرف دوباره قدرت توسط ایشان ارتش را زمانه رژیم سابق است . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۷۷ - ۲۷ خرداد ۵۹)

در همین جا ضروری است تا به مسئله دیگری نیز اشاره کنیم . صوب جمعیت نیروهای شریک در قدرت سیاسی حاکم و رفاقت و دسته بندی های آنان در شرایط کنونی به نحوی است که هر مسئله ای (از وقایع دانشگاه گرفته تا جنگ کردستان و مسئله حجاب و منالیم) با لاجبایر بازاری جهت پیشبرد این رقابت ها نیز تبدیل شده و هر دسته ای میکوشد تا از آن چاقی برای کوبیدن گروه بندی دیگر بسازد و با یک تیر دو نشان بزند . سران حزب جمهوری اسلامی که از چندی پیش علم مبارزه با " ملی گرایان " را بر - داشته است (دقت کنید ، مبارزه با " ملی گرایان " و نه مبارزه علیه امپریالیسم و سازنگاری ، زیرا در این زمینه نقاط مشترکشان فراوان است) در جریان کشف این کودتا نیز میکوشد تا از آن بر علیه رقیبانش در

چون بنی صدر را دنبال میکنند . مردم ما با یدد رقبال این بازیهای زیرکانه سیاسی کاملاً هوشیار باشد و نگذارند که این دارو دسته ها آپ را گل آلود کرده ، در واقع بر منابع اصلی این کودتا و کودتای آتی برده بپوشانند و این مسئله را به جریانی برای خطا به های بر مظر اقسنان تبدیل نمایند .

* * * * *

در اینجا ما ضروری میدانیم تا روی سخن خویش را با ردیگر متوجه نیروهای انقلابی و گروهها و سازمان های جنبش کمونیستی بنماشیم و از آنان مصرا نه طلب میمانیم که تا فر - صت کاملاً از دست بر نماند بخسود آیند و با در نظر گرفتن واقعیات مبارزه طبقاتی و ملی جاری در کشور و خطر که از سوی ارتجاع و امپریالیسم

متوجه انقلاب ما است ، بکردیک سیاست صحیح و اصولی جمع شوند و از انحرافات راست و " چپ " رایج در میانشان دست بردارند .

رفقا ، ما خیال نداریم که مسا - ثل و واقعیات را بر خ کسی بکشیم و یا بخواهیم از این فرصت ها برای سوسیه حساب سیاسی سود بربیم ، زیرا شرایط کشور و انقلاب ما آنقدر بحرانی و حساس است که به هیچ انسان با وجدانی فر - صت این قبیل سودجویی ها را نمی دهد . اما لازم است تا مسائلی چند را جهت یادآوری ذکر کنیم . زمانیکه جا سوسخانه آمریکا در ایران با شغال دانشجویان مسلمان در آمد و موجبات رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را بر علیه آمریکا فراهم ساخت ، اکثریت فریب به اتفاق شما آنرا " توطئه هیئت حاکمه " ، " هیا - هو " و " فریبکاری " نامیدید و چنین وانمود کردید که منظور از این کار نه مبارزه علیه آمریکا ، بلکه فریب داده های مردم خودمان بوده است . وقایع بعدی ، از مبارزات گسترده شده با بر علیه آمریکا گرفته تا افانه شدن بعدد سا زنگاری به این مبارزه ، از قطع روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و آمریکا گرفته تا تاج و زنا فر - جام نظامی آمریکا در طیس ، بطور غیر قابل تردیدی ، نادرستی باورها و نظرات شما را به اثبات رساند . جنب و جوش ضد امپریالیستی .. ضد آمریکا - شی مردم ما با توجه به محدودیت های ذاتی نیروهای رهبری کننده اش با - لاجبایر از رفت و خیز گذشت و بتدریج از آن شوروشوق کاسته و نیروهای بزم - رژیاری لیبرال و سران حزب جمهوری اسلامی که هر دو از همان آغاز آشکارا مخالف این مبارزات بودند و فرصت را مغتنم شمردند و تالیع و رویدادهای کشور را به سیرری دیگر گنا شدند . مسئله ، دیگر همانند گذشته داغ و مسئله روزنامه ندوشما نیز بی آنکه بخو - زحمت جمع بندی از مواضع و عملکردها بتوان بدهد از این فرصت جهت بسه فراموشی سپردن آنچه این چند ماه گذشته و کرده بودید استفا ده کردید . اما آیا اینست روش کمونیستی و انقلابی؟ این مسئله گذشت تا جریان حمله نظامی به طیس و مسئله کودتای آمریکا به پیش آمد و با شما را مقابل همسان سوال قدیمی قرار داد اما شما چه مواضعی اتخاذ کردید و چه مناسباتی میان خود و جنبش خدا میریالیستی مردم ایران و در برابر بر تهدیدات امپریالیسم آمریکا برقرار نمودید؟ شما

بقیه در صفحه ۸

زنان ، حجاب و هوس

بفیهار صفحہ اول

نات ارتجاعی و وابسته به بیگانگی نه نیز فرصت را منتظم شمرده کوشیدند تا برای نارضایتی سوار شده از آن به سود خود و مفاصدم خود بیش بهره برداری کنند و در سوگ " از دست رفتن " این " آزادی " سیاه پوشیدن و حتی شعاری ها را نیز سبب بختیاری رخا ثن عنوان کردند . پاسداران به صف نظا هزات زنا متعرض حمله کردند و زود خورد صورت گرفت و جمعی نیز دستگیر و مفرود شدند و بدین ترتیب مسئله حجاب و " پوشش اسلامی " ، مسئله شد . آنهم در شرایطی که عمال ارتجاع عوامی مبریا - لیس برای حمله به انقلاب و انجام یک کودتای آمریکائی کمین کرده و مترصد فرصت مناسب بودند و دستهای ناپاکشان در همه جا و در دوسوی ایسن جریان آشکار بود .

برای بسیاری از زنانی که متعرض این پوشش اجباری هستند ، مسئله به عنوان دستبرده آزادی در انتخاب لباس و آزادی در مجموع خودش مطرح شده و آنرا کامی میدانند در جهت تحمیل روش خاصی از تفکرو زندگی به همه مردم و مقدمه ای برای تسلط استبداد مذهبی بر مکتب سراسر کشور . گرچه ممکن است طراحان این حرکت نیز مسئله را بهمین عنوان مطرح کرده و خود نیز چنین خیال ها را در سر داشته باشند ، لکن با رکیست ها در بررسی مسائل ، انگیزه ها و موهوم پرستی ها را مبداء تحلیل خویش قرار نداده ، قبل از هر چیز به مسائل از دیدگاه منافع طبقات مختلف و آنهم در مقطع تاریخی مشخص مورد بحث برخورد کرده ، همه جوانب مسئله را می سنجند و مواضعمان را بر بنیاد منافع و مواضع و مصالح انقلاب استوار می گردانند .

قبل از هر چیز ضروری است بدانیم که کمونیستها با لای بالیگری و لباسهای زننده و جلف زنان و مردان سخت مخالف بوده ، اجازه نمیدهند که زیر لوای " آزادی " ، فرهنگ پوسیده و مرثعانه استعماری رونق یابد . در نظر آنها زن کالا نیست که رنگ و روغنی زنند و بر حسب مسدور به نما پیش گذارند ، در نظر آنها زن

وسيله شهوت رانی و ارضای خواستهای جنسی مرد نیست که با لباسهای جلف و زننده به کوچوب و بازیاید و مروج فساد باشد . کمونیستها بهتر از هر کس دیگری میدانند که محافل بورژوازی حاکم در کشورهای امپری -

بالیستی از زنان چه کالاهائی برای آب کردن محصولات کارخانجات تولید کننده لوازم آرایش و لواشهای ضد ساختند و چگونه با ترویج یک فرهنگ منحط ارتجاعی میکوشند تا زنان و مردان را به این مشغولیات بیهوده سرگرم سازند ، تا هم پولی به جیب زنند و هم توجه آنها را از ضروریات مبارزه بر علیه این نظامات ارتجاعی منحرف گردانند . ما نیک میدانیم که در حالیکه زنان زحماتش همه کشورها و جهان و بویژه کشورهای صادر کننده این فرهنگ منحط زیر شدیدترین ضربات خورده کننده است و استثمارشان خنده و ستمهای فراوانی بر آنها روا میشود . محافل ارتجاعی این کشورها چگونه میکوشند تا آنرا را به آرایش و مدرسگرمانند سازی بردن به ما هیت واقعی ایسن مروجتجین محروم باشند ، از اینرو سنگ نیا بدادنت که ما دشمن سر سخت این فرهنگ منحط و سازندگان آن هستیم و فرهنگ انقلابی طبقه کارگر حاکم میکنند تا فرهنگ استعماری بهمراه سازندگان آن در زبان لهدان تاریخ دفن شوند .

در عین حال کمونیستها به هیچ رو نیز موافق آن طرز تفکرواپس گرائی کدایفا " زنان را کالا و اسباب رفح شهوت مردان دانسته و لیکن ترجیح میدهند که این " اسباب " از نظر غیر پوشیده با شویا چنین می بیند از گد چنانچه موی سر زنان آشکار باشد ، باعث ترویج فساد خواهد شد و بالنتیجه آنان را به آن طرز خاص " پوشیده " نگه میدارد و نیز تنبوه و نمی توانیم با شیم . میکوشند زنی که موی سرش پیدا باشد ، باعث تحریک مردان شده و موجبات ترویج فساد را فراهم خواهد آورد . عجبا ! مگر این مردان شما با حیوانات وحشی و پسا سادست های شهوت ران هیچ فرقی ندارند که این چنین " تحریک " می گردند ؟ این چه مکتبی است که پس از ۱۴۰ سال هنوز نتوانسته ، این " نفس سرکش " را لاقل تا آن حدی مهار سازد که از دیدن موی سر زن عنان اختیار را از دست ندهد ؟ این مکتب

از دریچه چشم مردانی نوشته شده که زنان را بالاتر از اسباب رفح شهوت نمیدانستند و از اینرو این نسوع " پوشیدگی " را مبنای حل " معضلات " خود قرار داده اند . می پرسیم اگر طراحان این " مکتب " زنانی از این قبیل بودند ، آیا مجاز نبودند که همین قواعد را برای مردان تعیین کنند ؟ شرایط زندگی انسان و قبیل از هر چیز نظامی که برای این شرایط حکم میراند ، طرز تفکر انسان را نیز شکل میدهد . انسان نفسا موجودی شهوت ران و ولید نیست ، آنچه انسانها را شهوت ران ولید میکند ، شرایط و محیط زندگی آنها و فرهنگ برخاسته از نظام حاکم بر آن محیط است و در نتیجه برای بر طرف کردن معضلات فرهنگی ناشی از این شرایط نمیتوان راه حل را در " حجاب " و " پوشش " جستجو کرد و بلکه باید عامل اصلی را از میان برداشت . کمونیستها توجه خود را به این عوامل اصلی معطوف میکنند و بر اندازای این عوامل را در دستور کار قرار میدهند ، چه نیک میدانند چنانچه این عوامل گریشه در نظام پوشیده حاکم بر کشور ما دارد از میان بزداشته شود ، چه با پوشش و چه بی پوشش فساد ادامه خواهد داد .

اگر به تاریخچه " حجاب " در کشور خودمان نگاه کنیم ، بیایند از نیمه بینیم که در آغاز این " حجاب " مرفه و فرهنگ و طرز زندگی طبقات مرفه و حکمران کشور را در گذشته بوده است . در زمانیکه چند همسری در کشور ما رواج داشت (و اتفاقاً همین که این چند همسری و حر مسا بر اها نداختن نیز خاص طبقات مرفه بوده و طبقات محروم و زحمتکش جاعت ، هیچگاه استطاعت مالی این روش زندگی را نداشته اند) طبقات حکمران کشور (خانها ، فئودالها ، شاهان و درباریان قدیم) هر یک چندین تا چندین ده و حتی چند صد زن در اختیار داشتند و از این زنان چون هر چیز دیگر جهت ارضای خواسته هایشان استفاده میکردند . زن برای آنها وسیله رفح شهوت و تزئین حر مسا بود (در حالیکه جایگاه زن در میان طبقات محروم و زحمتکش درست بر عکس این بود و جایگاه زن در یک خانواده زحمتکش بعنوان فردی کسسه دوش دوش همسرش زمین را شخم میزند و میکار و در در میگرد و زحمت میکند ، والا و ارزشمند بود و این طبقات هیچگاه به این روشهای کثیف آلوده نبوده اند) . طبقات مرفه و حکمران

کشور ما چنین جایگاهی که برای زن تعیین کرده بودند ، طبیعی بود که بخواهند از این " اسباب رفح شهوت " محافظت نیز بعمل آورند و اجازه ندهند تا " استفاده " از این " اسباب " از انحصار آنان خارج شود . از اینرو آنها حر مسا و " اندرونی " داشتند که هیچ بیگانه ای حق ورود به آنها نداشت . لکن از آنجائی که ایسن زنان بالاخره میبایست موقعی هم از منزل خارج شده و یا سفر نما یند ، فکر " بکر " این حضرات چاره ای نبود . پوشیدگی و ههای در بسته و چادرهای بزرگی که بردوش استران و شترها قرار میدادند و نوعی اطاق ویا حرم - سرای پوشیده متحرک بود را ابداع کردند . میگویند احتیاج ما در اختراع است و چنین احتیاجی چنین اختراعی را هم طلب میکند . طبقات حاکم سراسر نظامیک کشور ، فرهنگ غالب بر آن کشور و مردم آن کشور را نیز تعیین می کنند و در نتیجه این طرز " پوشش " درجا مع نیز رواج یافت و " قانون " و " مکتب " شد و بتدریج به مذهب نیز رسوخ کرد و شکل مذهبی نیز بخود گرفت . زادگاه چادر و حجاب ، سر خلافت تصور ، نه عربستان و آغازگران اسلام ، بلکه ایران و طبقات فئودال و شروتمندان شهوت ران این کشور بوده است . بهر رو ، از آنجاکه طبقات محروم جامعه ، امکان مالی تهیه این قبیل کجا و ههای پوشیده را نداختند ، شکل ساده تر و ارزان تر آن بشکل چادر و روبند و حجاب در میان عامه متداول گشت . از اینرو چادر و حجاب از درون حر مسا های طبقات مرفه برخاست و به جامعه تحمیل گشت . اما زمانه ما کن نمی ماند . با رشد تولید و وجود آمدن نظامات جدید و بویژه در عصر سرمایه داری در ایسن فرهنگ و روش نیز تغییراتی رخ داد ، در این جوامع کالا ارزش و مفهوم دیگری میباید . اگر یک فئودال و خان ادوار گذشته ، کالاهای خودش را در جهت ساختن کاخ و بر طرف کردن امیال شخصی اش صرف میکرد ، سر ما به دار این کالاهای جهت بدست آوردن سود به گردش در میاورد و سر ما به اش را انباشت میکند . در این دوران ، زن محروم که همیشه چون کالا به ادوگر بسته شده است ، تحت تاثیر این تغییرات ، بدیختی های بیشتر و ادوگر بر خود میباید . در گذشته منافع طبقات مرفه حکم میکردند و ای " پوشیده " یا شد و اینک منافع حکم رانان جدید حکم میکنند و زن به

زنان ، حجاب و ۵۵۵۵۵

بیجا رستم ۴

هستند ، خود را در هیچ زمینه ای تسلیم نمی کنند و به سنت محکم می چسبند . در کشور ما مسئله جاذبه جنین نقشی را در جریان مقابله با امپریالیستها ایفاء کرده و میکند . نگاهی به طرز پوشش زنان " بالای شهر " و پائین

شهر ، بخوبی نشان دهنده مرز گسسته اینان را از هم جدا میکند میباید شد . البته بالای شهری ها میگویند زنان پائین شهر " احمق " و " بی سواد " بی فرهنگ " هستند و گرفتار " خرافات " میباشند . اما ما از این بالای شهری ها انتظار داریم که بیشتر از این بدانیم ، سرمایه داران و فئودالها و روشنفکران وابسته به آنها ، هم چیز کارگران و دهقانان را " احقانه " و " عقب مانده " میبینند ، حال آنکه آن لباس مختصر زنان کارگران دهقانان سداختها را اولیا سپاه " قافخر " و جلف زنان طبقات ثروتمند سندننگ آنهاست . بر خورد ما به مسئله حجاب در صورت خود و همچنین جایگاه و نقشی که در مخط کتونی دارد چنین میباشد .

* در شرایط کتونی جامعه و با حفظ ریاضی های بالا ، در حالیکه ارتجاع امپریالیسم مترصد فرصتی برای حمله به انقلاب ما و سواستفاده از آن است . بی های موجود در سطح مردم هستند ، ما برای غلبه بر آنها باید همگامی با آنها داشته باشیم و از آن استفاده کنیم . اگر او با لاجرم به این سوئه تحمیلی ، اصولا درست نبوده و تنها کلهی از مشکلات این انقلاب نخواهد گشت ، بلکه موجبات سوءاستفاده فئودالها و کودتا خروا ارتجاع و امپریالیسم نیز شده و سودش به جیب آنان خواهد رفت . در نتیجه هم برخلاف آن گروه های سیاسی ایگنگه روزندگی را رها کرده " سنگر " دیگری یافته اند و این مسئله غیر عمد را به یکی از مسائل عمده مردم گراسی و استقلال کشور تبدیل ساخته اند و هم برخلاف آن دسته از گروههایی که مقاصد طراخان و ایستگرایین جبارو جنجال را ندیده گرفته و خود را از آن کاملاً کنار کشیده اند ، ضروری می باشد تا نیمه توجه همه زنان مبارز و انقلابی را به وظایف اصلی و خطیبر کتونی انقلاب در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم جلب نمائیم و اصرار ورزیم که بویژه آنها عمده دار حفظ وحدت دموکراتیک و جدایی امپریالیستی همزمان مبارز ایران هستند و ضروری است تا در عین توضیح مسئله حجاب و

مقاوم بلغین و ایستگرای کتونی آن ، به هیچ رو اجازه ندهند تا این مسئله موجبات شکافی را در این جبهه فراهم آورد و با راه روسته های مرتجع هوا - در بختیا روا مثل هم جازه جولان و سوء استفاده داده شود . زنان را بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه ادامه انقلاب برانگیزند ، زیرا بدون برانداختن بقایای نظام گذشته و ایجاد نظامی انقلابی و مبتنی بر منافع زحمتکشان ، زنان ، چه با پوشش اسلامی و چه بی پوشش اسلامی ، همچنان " کالا " خواهند ماند ، عرصه اصلی نبرد اینجاست .

در اشتباهی آوری نکته ای را نیز ضروری میدانیم ، حضرات " شورای انقلاب " و جریانات بورژوا - لیبرال مذهبی ، از فرار برای " پوشش اسلامی " زنان فرمها و مدهای خاصی را عنوان کرده اند و میخواهند زنان کاملاً متحدان شکل گردند . این قبیل مدرثاشیها بخوبی نشان می دهد که این آقایان بورژوا تا چه حد حتی از مسئله حجاب و پوشش زنان رحمتکشی بدور هستند و برای زنان طبقات مرتبه متوسط شهری ، آنچنان پوششهایی را توصیه میکنند که کاملاً رنگ و شکل بورژواشی دارد و از لحاظ مادی نیز فقط از عهده زنان وابسته به همین طبقات مرتبه متوسط برمی آید . انسان میخواهد بیدیک سنت فئودالی رنگ بورژواشی بزنند ، اینرا میگویند محدود خواهی مدل جدید!

در " دادگاه " تقی شهرام ۵۵۵

کرده اند اکنون گویا به خونخواهی از مجاهدین خلق تقی شهرام " محاکمه " مینمایند !!
" دادگاه " که این حضرات پس از آنهمه جاذبه جنرال بر آه انداخته اند در حقیقت برای روشن شدن ماجرای تقی شهرام و شریف واقفی آنچه که در سال زمان مجاهدین خلق گذشته است نمی باشد و تشکیل دهندگان این " دادگاه " اصولاً چنین هدفی را دنبال نمیکنند بلکه هدف اینان از تشکیل چنین " دادگاهی " چیزی نیست مگر به محاکمه کشاندن جنبش کمونیستی و انقلابی ایران و خیال خودشان بی اعتبار کردن آن در اذهان توده ها . بنا بر این از نظر مردم ایران و تمامی کمونیستها و سایر انقلابیون این کشور جنبش محبه سازیهایی که در پشت آن منافع ارتجاعی و ضد انقلابی دارد و رسته های مطوم الحال نهفته

است محکوم میباشد ، برواضح است که مردم ایران و کلیه نیروهای انقلابی خواهان روشن شدن این مسئله هستند که در سال زمان مجاهدین خلق ایران چه گذشته است و چه کسانی با اشتباهات شیوه های ناروا شرایط مناسبی را جهت سوء استفاده ها و بهره برداریهای مرتجعین و ضد انقلابیون فراهم ساخته اند . البته که ما خواهان تشکیل دادگاهی جهت رسیدگی به این امر که طی سالهای اخیر ضربات جبران ناپذیری بر جنبش کمونیستی و دموکراتیک ما وارد ساخته است هستیم ، اما این دادگاه باید دادگاهی باشد مرکب از نیروهای انقلابی و بویژه سازمان مجاهدین خلق ایران ، فقط چنین دادگاهی صلاحیت دارد که مسائل مطروحه در سال زمان مجاهدین خلق را که موجب اشتباهات و شیوه های ناروا در این سال زمان گردیده است مورد بررسی قرار دهد و در خلال آن به پرونده تقی شهرام نیز رسیدگی نماید .

فتنه انگیزان شروری چون حجت الاسلام معاذینخواه و دارو دستهاش که در طول یکسالونیم گذشته دستهای کینه عمیق خود را نسبت به نیروهای انقلابی میهن ما نشان داده اند هیچ وجه صلاحیت رسیدگی به پرونده تقی شهرام را ندارند چرا که اینان خود مجرم اند و در طول همین یکسال گذشته مدهاتن از جوانان انقلابی این آب و خاک را به خاک و خون کشیده اند و با به جوخه های اعدام سپرده اند . اینان خود مجرم اند و با دیدن دادگاه خلق محاکمه و به حسابان رسیدگی شود و به کیفیت شهنکاریهایشان رسانده شوند . کسانی که مسئله تقی شهرام را بهانه ای جهت ابراز تمایلات ارتجاعی و ضد انقلابی خود کرده اند بیدنیست بدانند که کمونیستها هرگز کسی را به خاطر عقاید سیاسی و یا مذهبی اش مورد توهین یا تحقیر قرار نمیدهند تا چه رسد به اینکه کسی را به خاطر عقاید سیاسی و یا مذهبی اش مورد ضرب و شتم و یا ترور قرار دهند . کسانی که در جهت حرکت تاریخی و بخاطر تحقق بخشیدن به آرمانهای زحمتکشان و محرومان جامعه ما بر میدارند هرگز به جنبش شیوه های منط دست نمی یازند ، بلکه این مرتجعین و نیروهای میرنده جامعه و کورانیدینا - نی چون دارو دسته حزب جمهوری اسلامی و گروههای تابعه اش هستند که تصور مینمایند با توسل به ترور و ضرب و شتم کمونیستها و سایر انقلابیون میتوانند حرکت تاریخی را سد کنند و از رشد و حرکت نیروهای رشدیابنده و انقلابی جلوگیری نمایند .

"دکه داران"

هفته پیش شهرداری تهران با صدور اطلاعیه‌ای تحت‌الوای "پاکسازی" بر علیه دکه داران تهران اعلام جنگ گردوبه آنها برای جمع کردن دکه‌ها - بین فرصتی چندروزه داد، بیروا بین اطلاعیه شهرداری، دکه داران بسط مخالفت بلند شدند و در خلال اجتماعات اعتراضی که در گوشه و کنار شهر ترتیب دادند، طبق معمول درگیری - هایی با مقامات و نیروهای انتظامی پیش آمد که منجر به شهید شدن چند تن از دکه داران و مجروح گردیدن تعداد بیشتری گردید.

دکه داران حق داشتند و دارند، شهرداری تهران و همه دولت مردانی که به پشتیبانی از شهرداری بلند شدند، تحت بهانه‌های قلبی و ارتجاعی قصد بریدن نان عده کثیری از مردم را داشتند، شهرداری تهران این حرکت را تحت نام "پاکسازی" و جلوگیری از "شکستن قانون" و "حفظ زیبایی شهر" ... انجام داد و برای توجیه عملیات خرابکارانه خود که آدم را به یا دیبولدوزهای آریا مهربی خراب - کننده آلونکهای حاشیه نشینان می - اندازد، به کثیف ترین اتهامات نیز متوسل گردید، چون اینکه گویا - دکه‌ها "مراکز توزیع هروئین و مراکز فحشاء" گردیده اند!! دستگاه های دروغ پردازی دولت طبق معمول به راه افتادند تا در افکار عمومی از **دکه داران**، عده ای خرابکار و بیچاره سازند و خراب کردن دکه‌ها را موجه جلوه دهند. وزارت معلوم الحال کار اعلامیه‌ای صادر میکنند که برای همه دکه داران کار موجود است!! و کسی نیست که به این عوام فریبان بگوید اگر شما کار داشتید و دارید پس چرا ۱۷ ماده است که به کارگران بیکسار کاری رجوع نکرده اید؟ همه اینها برای لوث کردن اصل قضیه است.

دکه داری و شغل هایی از این قبیل نتیجه وزا شده - اوضاع اقتصادی - اجتماعی است. قمار زنی و سوداگری نداشتن یک شغل مطمئن، بیکاری آنکار و رستخیزان، بسیاری را مجبور میکند که به اینگونه شغل های مصلحتی و نا مطمئن و یا در هوا متوسل گردند تا جرخ خادو خا نوا در را بگردانند. این امر را ندیم لایم در ایران رایج

بوده است. نظام اجتماعی - طبقاتی منحنی که بسیاری را مجبور میگرداند و میکند که دست تکدی بسوی این و آن دراز کنند، بسیاری از مردم با شرف و حیثیت را به سوی شغل های بی معنی و نامطمئنی چون "آب حوضی"، "برف - پاروکتی" و "لب فروشی" و "بلال - فروشی"، "اسکیموشی" و ... سوق می - داد و میدهد. **دکه داری** ادامه همان روند است ولی بصورت نظامی شده است. از آب زرشک فروشی به آمیوه گیری، از لب فروشی و آتش فروشی به تئیه و خانه های کنار خیابانی و ...

در گذشته، دهقانان رانده شده از روستا که موفق به یافتن کار رسانی نمیشدند، دهقانانی که کار در روستاها کفایت زندگی شان را نمی کرد، دا و طلب اصلی اینگونه شغل های بودند. در گذشته "تحصیل کرده ها" (یعنی کسانی که دیپلمه یا حتی تصدیق ششم ابتدائی و سیگل را داشتند) کاری در سوپر مارکت سی دولتی دست و پا میکردند و بصورت کارمند و ... درمی آمدند. ولی امروز دیگر گذشته نیست. در کنار ریخیل عظیم رانده شدگان از روستا، خیل وسیعی از دیپلمه های بیکار نیز به درون اجتماع روان گشته است. دیگر بیرو و کراسی دولتی آنقدر فربه و در عین حال بی - مصرف شده است که جوابگوی این - "تحصیل کرده ها" نیست. امروز حتی برای تغلی چون شستن اتوبوسهای شرکت واحد، یکی از شروط داشتن حداقل تحصیلات تا سیگل است!! بنا بر این در کنار تهیدستان شهری و روستائی که به این شغل های مصلحتی و نامطمئن رومی آورند، دیپلمه ها و جوانان بیکار نیز مجبور به تن دادن به این اوضاع میشوند. (اگر چه در ذهنهایشان رویاهای سرگردانی داشته و دارند)، با بحران موجود اقتصاد، و با لاف زدن در مدیونگاری، عده زیادی از کارگران تا غل نیز بیکار شدند و به خیل دا و طلبین این گونه شغل های خیابانی پیوستند. (التمسختی از کارگران بیکار) برای این میتوان نتیجه گرفت که دکه داری، با طور عام شغل های مصلحتی و نامطمئن خیابانی، در حال حاضر دا و طلبینی از میان تهیدستان شهری و آواره شده از روستاها (بطور سنتی) و

دیپلمه ها و جوانان بیکار روهم چنین کارگران بیکار (بطور مشخص کنونی) را را میباید. همانطور که گفتیم عا سل اصلی رشا اینگونه شغل های غیر ناست همانا اوضاع اجتماعی - اقتصادی و بیکاری رستخیزان و آشکار سر سام آور میباید.

دکه داران و دارندگان اینگونه شغل ها اساسا در پی گذران زندگی هستند، در پی آنند که نان بخورند و نمیرند دست و پا کنند تا خود و خانواده شان از گرسنگی هلاک نشوند. بنا بر این از حرص و طمعی که بورژوازی و خسرده - بورژوازی مرفه و جا افتاده برخوردار دارند، ب میزان قابل توجهی بسودر هستند. اساسا اجناسی را که عرضه می - کنند، ب میزان قابل توجهی ارزانتر از فروشگاهها و دکانهایی که جنس مشابه میفروشند، میباید. و از همین جا تضادی آشکار میشود، بین بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه و جا افتاده که خود را توزیع کننده اجناس مصرفی میداند، و این دکه داران کنار خیابانی که هر روز بیشتر و بیشتر مشتری ها را بسوی خود جلب میکنند. بسواری همین نمایندگان بورژوا مسلک مرتباً از دکه داران مینالیدند که گویا اینان چهره شهر را "زشت" کرده - اند، که گویا اینان از "آزادی" سوء - استفاده کرده و معا بر اس کرده اند و هزارویک بهانه و دلیل سن در آورده دیگر. و از همین جا ست که شهرداری جانب این بورژوازی و خرده بورژوازی طماع را میگیرد و دیکتا تور منشانه دستور تخریب دکه‌ها را میدهد. و وزارت کارشان هم با جنجال و هوچی گری بسط آنها وعده کار میدهد، وعده ای که همه

میدانند اگر دروغ محض نباشد (کس هست) با یاش بر روی آب است ولی آیا مسئله ای حل شده است؟ این اوضاع هست، تا بیکسار و رستخیزان و آشکار نتیجه نظام عقب - مانده و وابسته اقتصادی - اجتماعی است. دکه داری و شغل های نا تابنده کنار خیابانی نیز به زندگی عوام ادا میبدهد.

شهرداری و دولت تنها کاری که کرده اند بر خیل راضیان افزوده - اند. جنبش کمونیستی و نیرو ه های انقلابی با یاد آگاهانه در جهت سازمانده ای این قشر از جامعه حرکت کرده و با سیاستی درست و اصولی عین دفاع از منافع این محروم جامعه در مقابل حملات بورژوازی، آنرا را در جهت مبارزه فدا میریایستیم و دمکراتیک هدایت کنند. جنبش کمونیستی و نیروهای انقلابی با یاد آگاهانه به این امر مهم توجه کنند که عوام مل ارتجاع و امپریالیسم، ساواکیه و بختیاری ها، نیز در این اوضاع سخت در تلاشند تا بر نافرمانی ها بحق توده مردم سوار شده و آن را جهت امیال و اهداف فدا انقلابی ارتجاعی خویش جهت دهند، همانگونه که در مبارزات دکه داران بعضاً نقب خرابکارانه آنها هویدا بود. بدین منظور رهبری اینگونه مبارزات طرافات خاصی برخوردار بوده و مسائل مرکزی تلفیق خواسته های اقتصاد آنها با آگاهی سیاسی و جهت دادن آ برای ریشه کن ساختن عوام مل اصلا این اوضاع یعنی نظام امپریالیسم عقب مانده و وابسته میباید.

حقیقت

**ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پیش کنید**

تشدید استثماریگان رگان ۵۵۵۵

بقیه از صفحه ۱

مفاسل این اقامه گاری ما چه بخدا ر
تولید مستوف. آنها با سنده بازی ها -
بشان سخا هدا منظور و اسود کنند
که از یک طرف ۱۴۰ میلیون تومان بایند
اما مستمرد میردا ز بدو و طرف دیگر
۳۸۸ میلیون تومان گاهر فروش
خواهند داشت. مگر با چه طرف هستند؟
مگر هدف امیریا لیسما را عممال
ناکتیک هاشی جون تحریرما قضا دی
شندیدقتا برودش و حجتگان و سکنی
مقاومت آنها نیست؟ مگر غیرا را این
است که شما بدین طریق این فساد را سر
ما زیا دتر هم میکنید؟
تاما خواست کارگران در اینجا
اینستکه زشت کار آنها کاسنه شود و
مزدوا قعی آنها برده خد کردوا تمام
اینکارنه تنیا تولید را با شین نسبی
بردیله آترا انرا هم سده دو هم -
چنین تعدا دزیادی اورا دران بی -
کارما را نیزما امتفال امیریا بدو سده
سها هیچ ضروری نه سده زده خدا میریا -

لیستی مردم نمیرساند بلکه آنرا
تقویت هم میکند. البته در مقابل همه
اینها، جنابان سرمایه داران به
اندازه ای که تولید میشود با بدحقوق
ببردا زندوا اینجا ست که فریا دشان
بلند میشود و با توسل به بیانه های
مختلف و امروزه "مبارزه خدا میریا -
لیستی" به تحقیق و سرکوب کارگران
بلند میشوند.
در این گیرودار مبارزه بیین
این دو طبقه، رویزیو بیینها که همواره
حاملین عوامل اجرائی سیاستها و
اهداف بورژوازی در درون طبقه
کارگر بوده اند، امروزه نیز مصرا نه به
این طبقه خود عمل میکنند. حزب
نوده و حزب رنجبران امروزه با تبلیغ
لژوم شندیدکا در میان کارگران و
منوئل شدن بهمان استدلالات بیور -
ژوازی و مستمک قرار دادن مبارزه
خدا میریا لیستی، توده و به بیانه
تحریرما قضا دی توسط آمریکا "عوا -
مل اجرائی سیاستهای بورژوازی در
میان کارگران شده اند و توده کارگر
را در ترک مبارزه در مقابل این دسا -
س بورژوازی قرار خوانده و در بیسی
متمثل کردن او هستند. این دو جریان

اگرچه برای اربابان مختلفی دست و
پا میکنند و اگرچه محروم طلی حرکت و
تبلیغات آنها در جهت تبلیغ این
اربابان بعنوان شق فعلی است،
بهر حال فصل مشترک هر دو دورنگه -
داشتن کارگران از حیات سیاسی جا -
مع بوده و مشغول کردن آنها بمسائل
اقتصادی و سندیکالیستی میباشد.
اینها اگرچه بظا هر از منافع اقتصادی
کارگران و یا حتی منافع سیاسی آنها
دم میزنند اما برای خوش رقتی پیش
بورژوازی و خرده بورژوازی، در دعوت
کارگران به تندیدکا را از خود بورژوا -
زی پیشقدم تر شده اند. مثلا نشریه
کارگران (ارگان کنفدراسیون) در
سر مقاله خود در شماره اردیبهشت ماه
زیر عنوان "کارگران و محاصره"
اقتصادی" پس از اینکه طبق معمول به
کارگران هشدار "خطر شوری" را میدهد
در خاتمه از آنها میخواهد که هر چه
شدیدتر کارکنند تا تولید را رود و یا
حزب توده در اعلامیه ها و تراکت های
گونا گونی که در کارخانجات بخش
میکند مریحا میگوید "خدا انقلاب با کم -
کاری سطح تولید را پائین میبرد" و
از کارگران میخواهد که در "بالا بردن
سطح تولید و خودداری از کم کاری" با
آمریکا مبارزه کنید. اینست چگونگی
دعوت رویزیونیست ها از کارگران
برای "مبارزه خدا میریا لیستی" و بالا
بردن تولید برای سرمایه داران،
طریقی که اخیرا سا زمان فدا ثیمان
(اکثریت) نیز پیشه کرده است و معتقد
است که کارگران با دید بیشتر و شدیدتر
کارکنند تا تولید را لارفته و از نظر
اقتصادی مستقل شویم.

مردم و حمله به اجتماع ما، جلسه سخنرانی
نی سازمان با موفقیت برگزار کردید.
در این سخنرانی اوضاع جامعه
و توطئه های امیریا لیسما آمریکا و

اطلاعیه دادستان، سازمان اسلامی، مجلس
در این زمینه انتظار داریم بطوریکه شایسته
یا تا آنجا که در این زمینه است
و محرز می باشد که مسئولیت هرگونه
مسئولیت آنجا که در این زمینه است
را شدید با مجازات سزاوارت نمود %
سازمان اسلامی، مجلس
مسئولیت هرگونه

آقای دادستان، مردم را

تحریر نکنید!

علیرغم تهدیدات شما چند سنده و
نیز تلاش های آنها برای جمع آوری

روز بیست و نه ۱۹ شهریور
سازمان ما جلسه سخنرانی با موضوع
"اوضاع جامعه" در شهر آمل ترتیب
داده شده بود. دادستان انقلاب اسلامی
شهرستان آمل، مهدی فرجی آزاد،
اطلاعیه ای برای جهت دادن به جماع
داران منتشر نمود و در سرشهر
و سوا بحر نمود. در این اطلاعیه آمده
که مسئولیت هرگونه درگیری یا
آشوب و غیره بعد از مسئولین اتحادیه
دستگاهها می باشد و این دادستانی
مسئول امر را شدیداً مجازات خواهد
نمود. عبارات دیگر آقای دادستان
با زبان بی زبانی به جماعت داران
میگوید: شما حمله کنید، هیچ مستوف
لیستی بعد از شما نیست و بلکه ما مستوف
لیست اتحادیه کمونیستها را مجازات
خواهیم کرد. و بدینسان روشن میشود
که جماعت داران با حمایت چه کسانی و
با چه دست قومی هاشی با احساسات
حمایه میکنند.
اما علیرغم این تحریرات

دهید؟

توطئه یک کودتا کشف و خنثی شده است. شما در برابر آن دورا و بیشتر ندارید، یا آنرا نیز چون مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما "های هو" و "فریبکاری" بنا میدوخیال خودتان

خطر کودتا هنوز باقیست ۰۰۰۰

بغیاه ز صفحه ۳

را راحت شما شنید و یا بپذیرید که حقیقتا توطئه ای از سوی آمریکا و ارتجاع زخم خورده در جریان بوده است و می - خوانستند کودتائی راه بیا نداشتند و کشتار روحشای نه ای را سازمان دهند. در این صورت آیا بما و همه مردم و کارگران آگاهه حق نمیدید که از شما دلایل این توطئه را جویا شویم و بپرسیم که چگونه آمریکا حاضر است بر علیه رژیم که او بسته به خود است و بقول شما حتی بهتر از آمریکا به سرکوب مبارزات مردم پیدا خسته است کودتا کند؟ و با ز آیا حق نداشتیم بپرسیم که در برابر این خطر عظیم، از جانب شما، که خود را پیشتر از این مردم میدانید چه کاری صورت گرفته و چه گام معینی در جلوگیری از آن و آگاه نمودن مردم نسبت بآن برداشته اید؟ آخر مسئله شوخی گوییست، پای سرنوشت یک انقلاب و یک ملیت در میان است. در برابر این انقلاب شما چه میتوانید بگوئید، چرا آنقدر طول ایندوران نه تنها کاری در جهت مقابله با این خطر برداشته اید، بلکه تبلیغ نیز کرده اید که اصلاح طلبان حظه در میان نیست. با شما فقط حرف حق و واقعیت است که باید بگوئید و با شما در این امر سعه ایم و معتقدیم که در این امر راه به آنچه همه میدانند نداریم تا ما ننگینیم. حقیقت اینست که شما -

متاسفانه نه بی آنکه از گذشته درس گرفتند یا شاید، همان مواضع را بشکل دیگری تکرار کردید. گفتید که ممکن نیست آمریکا در ایران کودتا کند، زیرا رژیم حاکم منبغ آمریکا عمل میکند و حافظ منافع اوست. گفتید که این نیز جزهیا هو و جنجال چیزی بیش نیست و علیرغم آنکه بپذیرفتید که خرده بورژوازی شریک در قدرت سیاسی با امپریالیسم "صدیت" دارد، لکن تبلیغ کردید که "لبه تیز حمله" باید متوجه خرده بورژوازی باشد (نگاه کنید به مقاله امپریالیسم آمریکا: کودتا، دخالت نظامی یا جنگ داخلی؟، رزمندگان شماره ۱۳، خرداد ۵۹)، گفتید که آمریکا خیال کودتا ندارد و بلکه می - خواهد از طریق "غیر مستقیم" و با همسو نمودن شرایط و مساعدت های داخلی ایران با منافع خود "عمل نماید" (همانجا). تجا و نظای عراق به خاک کشور ما صورت گرفت و با آنکه روشن بود که این تهدیدات و تجاوزات بخشی از توطئه های امپریالیسم آمریکا است و این امر احتی مردمی است با ندادن شما تئوری تمیذات و سعه در خیابانها فریاد میدردند، اما با شما بر این جنبه ا ز قضایه برده پونا سدید و آنرا "دعوی دومرتجع" و "بها - نه ای" برای "سرکوب مبارزات رزحنگگان دو کشور" دانستید و "بها - یح" شعار "جنگ داخلی" را در زیر پرچم این تجاوزات عنوان کردید (نگاه کنید به اعلامیه ها و مواضع رزمندگان راه کارگر و بیکار در این زمینه). بیگ کلام شما در طول ایندوران با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را تخطئه کردید، با ز خطری که از سوی آمریکا و ارتجاع زخم خورده متوجه انقلاب و کشور ما است را تا چیزی جلوه دادید و سران به کارهای دیگری گرم بود. آیا جا ندارد که برای یک بار هم گفته شده، بدور از تفکرهای سکتاریستی و خود مرکز بینا نه ای که جلوی چشماتان را گرفته است به ارزیابی از این مواضع و تاثیرات آن بپردازید و به این ملت و به طبقه کارگر ما پاسخی قانع کننده ارائه

در نارمک چه گذشت

بات انقلابی در منطقه نارمک حمله کردند و به همراه گروهی از آنهائی که به "حزب الله" معروف شده اند تجمع فروشندگان نشریات حمله ور میشوند، لکن حمله آنان با مقاومت فرسودگان نشریات و مردم محل مواجه شده بی نتیجه میماند. با سداران بالاخره بروی مردم مسلح کشیده و آنان را بر کتف می بندند که در آن یک نفر شهید و جمع دیگری زخمی میگردند. سازمان مجاهدین خلق هیچ نقشی در این جریان نداشت و آنکس هم که تیراندازی کرد، یا سدا ربوده شده مجاهد. اینک روزها ما با چنین وقایع حتی دروغ بر داری می کنند، خود سیرین نشانده صفت و درماندگی کرده اندگان آنهاست و شواهدی نمانده است، نقشه های شومی است که در سردارند. تا دیروز هر کاری که میشد می گفتند، کمونیستها کرده اند و امروز نیز که فرعه بنا سازمان مجاهدین افتاده است، میخواهند هدر مسئله ای را به آنها ببندند و برای کارزار مسموم تبلیغات و وسیله و بها جمع آوری کنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)، در اعلامیه ای مشعوب لیت این جریان را بگردن "چپ روها" و "آنا رشیست ها" انداخته است. آن یکی میگوید مجاهدین بودند و این یکی میگوید "چپ روها" و "آنا رشیست ها" و عیب اینجاست که هر دو اصرا عربی دارند تا پای پاسداران و مسلمان واقعی این جریان، یعنی گردانندگان حزب جمهوری اسلامی به میان آورده نشود. مقاصد اولی ها روشن است، اما چریکها دیگر چرا؟ آیا آنها ذاتا این قبیل موزغگیرها بیانش است که باید جهت نزدیکی به شما را کما بپیردا زند؟ آیا اینهم از آن جمله قول و قرارها نیست که شما پیشتر گذاشته شده است؟ و یا شاید واروسه بینی هم از جمله عوارض بیماری اورتونیسما است باشد. سپر حال، مردم هم نظوریکه تبلیغات آن یکیها را باور نخواستند کرد، تبلیغات دروغین شما را هم نخواهند پذیرفت.

مجبور هستید چنین وانمود کنید که آمریکا نمیخواهد نوعیتا ندبخواهد بر علیه این هیئت حاکمه دست به کودتا زند. شما تضاد عمده، که همانا امپریالیسم و ارتجاع است را با هیئت حاکمه کنونی عوضی گرفته اید، شما در عمل تضادهای اساسی جامعه ما را نداشتیم، سرمایه داری و استبداد فئودالیسم، بلکه تضاد میان کار و سرمایه می بیند و میخواهید تا همه رویدادها و وقایع را در این قالب بکنجا نید و ونشی که چنین چیزی ندی نباشد، بالاچار آنرا "هیئت هو" و "فریبکاری" خواهید نامید. با وجود شرایط ریادی که در این نظرات انحرافی به جنبش ما وارد آمده و بدیهترین وجه نیز از جانب دشمنان آن مورد بهره برداری قرار گرفته، باز هنوز فرصت باقی و کاملا از دست نرفته است. ما با ردیگر دعوت خود را ارکلیه گروهها و سازمانهای جنبش کمونیستی ما نجهت اتحاد ستریک سیاست و خط مشی اصولی رسیستی بر بنیاد مندیهای واقعی اسنلاب و طبقه کارگر میبندیم تکرار می نمائیم. پرچم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و خطر کودتا با جدی دست کمونیستها باشد و نه در دست آنها نیکه توانائی حملت را ندارند. ما میخواهیم که دستهای ما یکی شود تا این پرچم را بدست گیریم. اما اینکار تا زمانیکه شما بر نقطه نظرات فعلی تان کما کان با سازی می ورزید و حتی رویتان را نیز از این پرچم بر کردارنده اید، چه برسد به سنگ منقاری بدست گیریشت. ساید، عملی نیست.

راه را با بلسر بدون نتیجه مانده است. جمعی آیا ما موای هموطن ایرانی و مسلمان گذشته از مراتب بالا اکثر هم هواییم ما بنگاری ما دشمن را در سر رس خود ترا میداد دستوراتش با سید وسیله فرما نده ایستگاه سرهنگ حر - بی ما در میشتد و در نبود ایشان این مهم وظیفه سرگرد و ولجالی رئیس عملیات بود و با هم نمیدانیم چرا درست در چنین حمله بالا مسئولین ایستگاه ها عیب بودند و هیچکس اعم از فرماندهان در زبان - آنچه آن هیچکس را اطلاع از ایشان نداشتند و ترتیب اثری بهیچ وجه با بین حمله و تجاوزهای قتل به

اطلاعیه پرسنل هوائی ۰۰۰۰۰

وسيله فرما ندهائی كه هنوز بسوی عاری از مهرشان را زبر شما مه خود دارند و لقب ما لك اشتر را همدا را میباید شد و قصد توطئه دارند اده نشد. با درود فراوان بر ما مخلصینی و سلام بر شهدا رهن و آزادی و ملت مبارز ایران

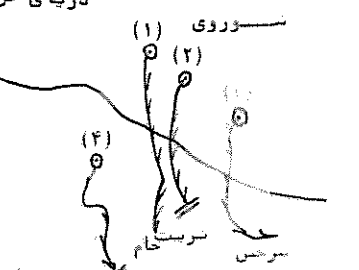
مرک بر سرهنگ حزینی فرما نده خائن ایستگاه راه راه را با بلسر

مرک بر سرگرد و ولجالی رئیس عملیات

مرک بر ستوان شایرافتخاری سرپرست

بر ستوان عاطفیات

گروهی از پرسنل مسلمان نیروی هوائی با بلسر



دریای خزر

ما و "وحدت انقلابی"

بقیه از صفحه اول

تدوین شده بوسیله گروه های فوق در آینده نزدیک از سوی تشکیلات جدید رسماً در سطح جنبش منتشر خواهد شد، البته هنوز منتشر نگردیده است. طبیعتاً "بیانیه وحدت" و محتویات نشریه ارگان سازمان جدیدینام "انقلاب" نقطه نظرهای مشترک گروههای تشکیل دهنده را بازگو میکند.

از آنجا که اتحادیه کمونیست های ایران یکی از امضاء کنندگان طرح مشترک بهمن ۵۸ و یکی از شرکست کنندگان ملی در بحثهای مقدماتی برای تدوین پلاتفرم ایدئولوژیک سیاسی یاد شده بوده ولی در بیان کار به وحدت سازمان جدیدتسلسل نداد است، اظهار میبود که موضع نظر خود را در مورد این وحدت جدید و علت پرهیز خود از اعلام کند. اما گفته تا این زمان را انجام ما بین کار تحلیل صورت نگرفت.

اتحادیه کمونیستهای ایران همیشه طالب سازمانها و محافل کمونیستی اروپا و روسا مان یا قسماً هر چه سریعتر جنبش کمونیستی و کارگری برآکنده، ما بوده و مسئله اتحاد کمونیستها جلترین وظیفه دربرابر همه نیروهای جنبش کمونیستی ایران میدانده و میدانند. لیکن طبیعتاً این وحدت را بدینسان اصول مارکسیستی-لنینیستی و توافق بر سر خط مشی و برنامه محیی نگذرد و به تشکیل حزب انقلابی نماند. کارگر کشور ما منتهی شود. البته برای نیل به این مقصود با جدجاری اندیشید و برنامه معینی را پیش نهاد، برنامهای که مقدمات و مراحل نیل به یک وحدت اصولی همه جنبش و تشکیل حزب انقلابی را حتی المقدور روشن گردانیده و به پراکندگی و پراکندگیهای موجود در جنبش ما، که در زمینه سیاسی و تشکیلاتی

خود مدد را نه اصولاً توسعه فرقه گری و گروه بازی در درون جنبش کمونیستی و اشتیاق اعضای سازمانها و محافل کمونیستی به وحدت، طرحی را برای متحد گردانیدن جنبش کمونیستی و رهبری گام به گام کمونیستها به سوی

میساخت و بعلاوه درک درست و حتی المقدور دقیقی از معضلات جنبش کمونیستی ما، اشکالات و انحرافات آن و چگونگی برخورد به آنها و مبادی برای رفع آنها بدست میداد. در اینجا یک رشته مسائل تئوریک پایه ای، که لازم است تدوین یک برنامه سیاسی حزبی است، مانند بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، مسئله اصلی و نقش جنبش دهقانی و احیاناً پاره ای از مسائل جنبش کمونیستی جهانی و کشوری که معیارهای هفت گانه کنفرانس وحدت دربارها آنها سکوت کرده بود، میماند که باید در دوره گذار، یعنی در جریان فعلی لیت ستا دیا شورای هماهنگی یاد شده تا برگزاری کنگره وحدت جنبش، همراه با ایجاد مقدمات برنامه های

از رفقای "وحدت انقلابی"، که بهرواضح اشاره اشان بجا بوده، بنویسید: "کودتا را قریب الوقوع دیدن... قریب بوده ها و... خیانت به بندها بشمار می رود...".

("انقلاب" - شماره ۵، ۷ خرداد ۵۹)

حال پس از کشف سرب کوب توطئه کودتای آمریکائی اخیر، چند هفته پس از انتشار مقاله رفقا، و همچنین همدارما به همه انقلابیون و مردم ایران راجع به یک کودتای آمریکائی، قضایوت کنید که چگسائی مشغول تریب توده ها و... بوده اند. یا نا پدید "هیا هو" و "خیمه شب بازی" بوده است !!

یک خط مشی یا منشور سیاسی، کهسب جوایب گوی تبلیغات سیاسی مشترک و فعالیت انقلابی فعلی کمونیستها در اوضاع حاضر کشور باشد، وظیفه سر و سامان دادن به جنبش کمونیستی، متحد و همروال گردانیدن سازمانها و محافل و ایجاد مقدمات تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی دعوت یک کنگره حزبی را برای وحدت کل جنبش کمونیستی ما فراهم گردانند. به عبارت دیگر وظیفه ویژه ای دربرابر این "شورای هماهنگی"، "تشکیلات گذار" یا "ستاد" قرار داشت که تا حال بر دوش هیچ یک از سازمانها و گروه های موجود در جنبش کمونیستی ما نبوده است. خط مشی یا منشور سیاسی یاد شده با ایجاد رجوب فعالیت سیاسی و تبلیغات مشترک گروه های تشکیل دهنده ستاد دموکرات و همچنین سیاست و تاکتیک مبارزه آنها را برپا یسند تحلیلی از انقلاب و شرایط سیاسی فعلی کشور از جمله قدرت سیاسی کمونی و نیروهای کامبرآن، شفا ده های اساسی و عمده جامعه و وظایف سیاسی طبقه کارگر در قبال جنبش عمومی دموکراتیک و خدا مپریالیستی روشن

رزین آزادی طبقه کارگر"، "مبادی رزان راه طبقه کارگر"، "اتحاد انقلابی برای رهائی کار"، "پیوند" و ما رسید و سرانجام در بهمن ۵۸ انتشار یافت.

پس از آن در جریان بحثهای که بمنظور تدوین یک پلاتفرم یا منشور ایدئولوژیک - سیاسی مشترک میان گروههای یاد شده صورت گرفت دشواری حل و فصل برخی مسائل مورد اختلاف در زمینه ارزیابی از واقعیت مبادی رزات طبقاتی و ملی در جامعه، نیروهای حاکم در قدرت سیاسی و سیاست و تاکتیک مارکسیستی، که به ارزیابی از اشتباهات و انحرافات حاکم پس از جنبش کمونیستی طی یکسال پس از قیام بهمن و حتی قبل از آن مربوط میشد، کاملاً هویدا گشت. البته در جریان این بحثها چند گروه دیگری چون گروه "آرمان"، "نبرد برای رهائی"، "کمیته نبرد" و بعدها در بیان بحثها دو گروه "زمندگان (م-ل)" و "پیکار خلق" نیز بطور موقت داخل کار شدند، ولیکن برخی از آنها اصولاً طرح مشترک یا شده را قبول نداشتند و تمایلی به حرکت متحد کننده ای که آغاز شده بود نشان نمیدادند. بعلاوه همه آنها از مواضع "ماورای چپ" و نیمه تروتسکیستی برخوردار رسوده و بالاخره یکی پس از دیگری از جمع دیگران جدا شده و بی کار خود رفتند.

بدون شک شرکت دادن این گروه ها، که چندان تعهدی به کار نداشتند و آشفته فکریان در باره مارکسیسم و عدم جدیتشان در قبال نظم و برنامه طبقاتی جزئی تیر منفی بر روال بحثها نقشی ایفاء نمیگردند، کار اشتباهی میتوانست تلقی شود. ولیکن پنج گروه اصلی کمونیست با جدیت به کار خود ادامه داده و سرانجام نوشته مشترکی را که پس از سه چهار روز تغییر و اصلاح و با کمسودهای به تصویب چهار گروه از ایشان رسیدینام "پلاتفرم" تدوین کردند. در آخر چهار گروه دیگر نیز، که نامهایشان در "بیانیه وحدت" آمده است، با این "پلاتفرم" اعلام موافقت کردند. لیکن سازمان ما بدون دلیل نتوانست با این "پلاتفرم" اعلام موافقت کند و بدین رای منفی داد. دلیل نخست اینست که نوشته یا "پلاتفرم" یاد شده دارای ناروشتیها و التقاطهای قابل توجیح بود و در آن درست و نادرست بهم آمیخته شده و در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی در جامعه سیاست و تاکتیک کلی، مبهم و گاه التقاطی و قابل تفسیر گوناگونی عرضه شده بود. بقیه در صفحه ۱۰

ما و "وحدت انقلابی"

بقیه از صفحه ۹

مشترک چند گروه فوراً اعلام نکرد. ماضن اعلام مخالفت با پلاتفرم تدوین شده موضوع شرکت یا عدم شرکت خود را به شورای سراسری سازمان (یا کنگره سالانه) خود اعلام کردیم تا اصلاح و شائب اینکار را لحاظ اصولی روشن

کرده. لیکن شورای سازمان ضمن آنکه یکپارچه بر مخالفت سازمان با متن پلاتفرم یا دشمنی صحه گذا ردوبال ضمن آنکه همه نمایندگان شورا یکپارچه مشتاق وحدت جنبش و اتحاد گروه همادر "تشکیلات گذار" بودند، نتوانستند در باره صلاح بودن شرکت ما در مراحل بعدی اجرای طرح مشترک، یعنی ایجاد "تشکیلات گذار"، در وضع فعلی به نتیجه برسند. در نتیجه سازمان ما از شرکت در "ستاد" یا "تشکیلات گذار" که قرار بود بوجود آید پرهیز کرد و این مساله را نیز به رفقای گروه های دیگری که به اتحاد رسیده بودند اعلام داشت.

پس از انتشار "بیانیه وحدت" به ماضی هشت گروه و انتشار نشریه ارگان سازمان جدید که ملا برستیا مکشوف گشت که گروه های که بر اساس پلاتفرم التقاطی و ناقص یا دوده به اتحاد رسیدند درجه مسیرا نحرافی گام برداشته اند. آنها بیش از پیش نقطه نظرها و برداشت های سیاسی خود را به نفع انحراف اپورتونیستی اصلی حاکم بر جنبش ما فرموله کردند و در همان گامهای اول همان پلاتفرم التقاطی، مبهم و ناقص را هم بدور انداختند. طبعاً با بدست گرفتن قضات و کشمکش های عریضه ای نیز از این بابت در میان نشان رشد کرده باشند. لیکن بهر حال تفکروسیاست حاکم بر آنها بتدریج خطوط فاصل میان ایشان را با تفکروسیاست های بغایت انحرافی حاکم بر جریان های ما نشانده "سازمان پیکار" و "زمنندگان آزادی طبقه کارگر" پاک میکنند و در پی همان کاروان بیگانه از ما رکیسمی ره مییابند که امروزه جریسمان نیمه تروتسکیستی "زمنندگان" قافله سالار است. (اندیشه ما در باره نظرات گروه هایی مانند "پیکار" و "زمنندگان" روشن است.)

بعلاوه با انتشار "بیانیه وحدت" و نشریه ارگان سازمان جدید روشن شد که رفقای گروه های هشت گانه اصولاً در پی اجرای طرح مشترک

امضاء شده در بهمن ۵۸ نبوده و هدف مقدم خود را از جمع شدن به گروه متحد گردانیدن جنبش پراکنده کمونیستی و کارگری ما و حرکت بسوی حزب قرار نداده اند و اصولاً در اینجا "ستاد" یا "تشکیلات گذار"ی در کار نیست. چنانکه در "بیانیه وحدت" هم آمده است هدف جمع هشت گانه یا دوده تدارک وحدت جنبش ما نبوده بلکه ایمن رسالتی است که "همراه با سایر نیروهای ما رکیسمی - لنینیستی" بسر عهده این جمع نیز میباید شود. "تنها از این زاویه تشکیلات دوران گذار است" طبعاً از این زاویه همه سازمان ها و گروه های جنبش نیز "تشکیلات گذار" هستند و نقش ویژه ای بر عهده تشکیلات جدید نمیتوانند داشته باشند. از اینک به صلاح این رفقا هم بود که با نقطه نظر و گرایش حاکم بر "وحدت انقلابی" خود از طرح مشترک و رسالتی که این طرح عنوان میکردند دست بکشند؛ هر چند که این نشاندهنده انحراف آنها از اهدافی است که به منظور آن از چند ماه پیش بگردم جمع شدند. نتیجه آنکه تنها سازمان جدیدی از وحدت چند گروه و بر اساس نقطه نظر ها و گرایش خود را در چارچوب انحراف حاکم بر جنبش ما فرموله می کند، بوجود آمد. که البته خود ایمن موضوع فی النفسه بیان گرایسمی مثبت وحدت طلبانه گروه های یاد شده بوده و از این زاویه در نظر همه کمونیستهای کشور ما باید مبسارک تلقی گردد.

طبعاً با توجه به اختلاف اصولی ما با تفکروسیاست های حاکم بر سازمان "وحدت انقلابی"، که از پلاتفرم تدوین شده پیشین خودشان نیز بتدریج دور شده است، و با توجه به انحراف ایشان از طرح مشترک بهمن ۵۸ و تبدیل شدن به یک سازمانی در میان سازمان های جنبش و نه یک "ستاد" یا "تشکیلات گذار"، چاره ای هم برای ما جز آنکه راه دیگری برای وحدت جنبش کمونیستی کشور خود جستجو کنیم نمائند. است. در عمل ما آموختیم که مسئله وحدت جنبش کمونیستی به این سادگی و به صرف گرد هم آتی چند گروه و بدون آنکه از قبل تا حدی تسویه حساب های ایدئولوژیکی و سیاسی صورت گرفته باشد، میسر نمیباشد. علاوه بر اجرای برنامه ای برای تدارک حزب ما نبود طرح مشترک بهمن ۵۸، نه تنها درجه ای از اتحاد دودرک مشترک راجع به مهم ترین مسائل تئوریک و سیاسی جاری را لازم دارد، بلکه درجه ای از تمهید و جدیت واقعی را نیز نسبت به امر

وحدت جنبش ما و هدایت آن بسوی حزب از رهبران و نمایندگان گروه های کمونیستی طلب میکند. بالاخره مسئله حل و فصل اختلافات و رفع دردهای دیرپای جنبش کمونیستی ما باید به ار همه اعضای این جنبش، همه اعضای و هواداران سازمان ها و گروه های کمونیستی، تبدیل شود و حصارهای پیوسته ای که از تشویریهایی غیر مارکسیستی و عواطف فرقه ای و عادات و سنن گروهی، کمونیست های ایران را از یکدیگر جدا گردانیده به انواع انحرافات مسلکی، خطاهای سیاسی و پراکنده کاری و عقب ماندگی تشکیلاتی میکشاند، شکافته شود. ما به رفقای "وحدت انقلابی" طی دوسه دیداری که پس از پرهیز از شرکت در حرکت سیاسی ایشان با زهم دست داد، موکداً متذکر شدیم که موافقت کنند که در همه سطوح ورشته های فعالیت میان دوجریان کمونیستی ما و ایشان روابط و مناسبات مشخصی میان اعضا برقرار گردد و اوضاع هر دو گروه ضمن پیدا کردن نقاط مشترک همکاری در فعالیت ها بین و انجام این همکاریها در چارچوب توافق رسید، تمامی مسائل جداگانه و برداشته های نا همگون به بحث یکدیگر گذارند. بزعم من حرکت نه تنها تا شمر متقابل دوده و حل و فصل اختلافات را تسریع خواهد کرد بلکه حرکت جنبش ما را بسوی مسئله وحدت خود، با تبدیل آن به امر همه اعضای گروه ها، خواهد بخشید و از مجاری تندتباط رهبری های گروه ها خواهد داد. اسفا که این پیشنهادی که ما و همچنین در هوایمان مانده، طبعاً از همین جا و در این نوشته از همه رفقای عضو "وحدت انقلابی"، و همچنین اعضای سایر گروه های کمونیستی کشور خود، طلب میکنم که در همه سطوح با رفقای خود در همه بخشهای مختلف جنبش کمونیستی ایران از جمله رفقای عفو سازمان ما، در چارچوب و در هر حدی که میتوانند تا برقرار کنند و امر حل و فصل اختلافات در جنبش کمونیستی و امر وحدت آنرا خود بدست گیرند. ما بسهم خود چنین خواهی کرد. مطالب دیگری هم هست که در شماره های آتی خواهیم نوشت.

شما ره های آتی خواهیم نوشت.

تشدید استعمار کارگران با "مبارزه با امپریالیسم"

نموده، سرمایه داران یورش خود را به طبقه کارگر در زیر این پوش انجام میدهند. آنها با استفاده از سیاست های سازشکارانه دولت در مقابل امپریالیسم و داشتن پشتیبانی از لیبرالها و قیچانه وانمود میکنند که توگوشی کاهش تولید و بسته شدن کارخانهجات در این دوره بدلیل کم کاری کارگران است و در نتیجه آنها را با داریه تشدید کار کرده و در بسیاری از موارد ساعات کار را تا ۱۱ ساعت بقیه در صفحه ۱۱

بها نه امپریالیسم و رسیدن به خودکفائی میخواستند استفاده از احساسات پاک ضد امپریالیستی طبقه کارگر و خلقهای مان، استعمار را تشدید کرده و سود خود را افزایش داده و یا حداقل در این شرایط جلوی کاهش سود خود را بگیرند. از اینرو، از زمانی که انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهایمان ایجاد شد و امپریالیستی خود را بنمایش درآورده و امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا را وارد ربه و کنش های شدیدی

با کلک و تزویر استعمار را افزایش دهند تا کارگران متوجه نشوند و اینها میزان سود خود را در مدتی که کارگران متوجه نشده اند، بالا ببرند. مثلاً زمانی که معده بحران اقتصادی است به بهانه برطرف کردن بحران، کارگران را به تشدید کار و میدارند و پشتوانه شان نیز لشکر بیگانه است، زمانی که معده در وضع عادی است به بهانه رشد سریعتر اقتصاد و شوک فاش شدن جامعه و... سعی در تشدید استعمار را دارند و امروزه نیز در کشور ما سرمایه داران به

سرمایه داران همواره در پی افزایش سود خود و با لطمه از طریق تشدید استعمار کارگران بوده هستند، آنها همیشه بدنیاال این هستند که چگونه میزان بهره وری از کارگران را در کارخانه های کمترین هزینه بالا ببرند و در این راه کمترین هزینه را در تشدید شدت کار و افزایش روز کار کارگران می بینند. ما سرمایه داران را حتی نمیتوانند شدت کار را افزایش داده و با طول روز کار را زیاد کنند زیرا کارگران نیز از طرف مقابل زیر فشار چنین شرایط وحشیانه ای مبارزه کرده اند و همواره با جانباختن های زیاد در مقابل این حملات ایستاده و ساعات کار و شدت کار را کم کرده اند. ۸۰ ساعت روز کار فعلی در سراسر دنیا در نتیجه مبارزات بی مان کارگران بدست آمده و شاخص آن نیز روزتاریخی وجهانی کارگر سردر و ولی برای کارگران است. از پیروزی سرمایه داران و عواملشان مجبورند همواره

و داخلی بسیج شوم در مورخه ۵۹/۴/۹ سه شنبه ساعت ۹ شب یک فروندهلیکوپتر روسی بطوریکه در نقشه تشریح شده وارد آسمان کشورمان شد و متعاقب آن دوفروندهلیکوپر و سلافا صله چهارم هم از حوالی درگزبنا تا بیوسته حدود ۱۸ مایل هوایی مان را در تاجوزمان دادند که توسط پرسنل مسئول میره لخته به لحظه تعقیب میشوند تا اینکه توسط نفر مسئول برای مقابله با این تهاجمنا هتجاز را زیست فرما ندهی با یگا به یکم (چون کلیه هواپیما های شکاری مستقر در مشهد از قبیل از جمله نا فرجام آمریکا از پایگاه مشهد به نقاط دیگر منتقل شده که این انتقال هنوز هم ادامه دارد) تقاضای یک فرونده و ناف ۴ شده بعطت بروزنا شکال در هوای کابین مجبور به فرود شد شکاری بعدی و بعدی و با لآخره بعطت طولانی شدن کارها باعث شدند که بدلیل این تهاجمها که ما نتوانیم کار را متوقف انجام بدهیم و آنان هم پس از آنجا بروا ز خود از مرز خارج شدند تا که شما ندکه کلیه تهاجمات بالا حدود یک ساعت بطول انجام میدوید و توسط راهدار مشهد و شهرآباد در وقت گردیده و جهت تصمیم گیری بر اهدا ربا بلسرگزارش شده است و با زهم معلوم نیست چرا راه دار ربا بلسر حدود ۴۸ ساعت قبل از این تهاجمها را با افتاده بود و با فرمائش ورشیش عملیات ایستگاه همپرا را تمامه تهاجمها و زهویده شده و با اعمال توهین های فراوان به پرسنل راهدار و با توجه به تمامنا رسانی محیلاته عملیات تهیه در صفحه ۸

اطلاعیه گروهی از پرسنل امنیت هوائی بابل

طماننازی مدیران مسئول هستیم با توجه به اینکه شما همسوار در ایستگاه راهدار مشهد شهرآباد بابل بلسرگویای حقایق اندوما شما را به این مکانها دعوت میکنیم.

۱- حدود ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران میگذرد و آسمان کشورمان همواره در این مدت مورد تهاجم و تهاجمها و هلیکوپترهای شوروی میباشند شما نه با زهم فرمائید ما در آنچنانی این چنین بی تفاوت و از گنا رتبهجات نظامی روسیدنا جوان سردار نه میگذرد. ۲- ما دیدیم جرات بتوانیم دعا کنیم که پروازهای متخاصمانه روسیه به مناطق خراسان (گنبد، گرگان اطراف طیس - سرخس تربت جام - قوچان و...) برسانند و ادا شده و دارد. ۳- بارها و بارها تهاجمها در جاده راهداران گوش فرمائید ما را گویا زورده که هرگاه شما بنحوی منکوب نموده اند. ۴- در زیرگ نمونه زدها تهاجم و زوروی بحریمفاشی ایران را در حضور امام و است افتاء نموده ایم ما میدا اینکه همگی پیش ازین بخدائی و با اشد کمال برای محو نمودن دشمن خارجی

چکسانی تخم تفرقه و تشتت اختش و توطئه بر علیه جمهوری اسلامی ایران را میباشند؟ فرمائید ما خود فروخته رتشی پرسنل مستضعف که در حکومت منور سابق از جمهوری اسلامی ایران همواره چکمه های ناسوان سردار نه فرمائید ما نه مزدور قرار گرفته و میگیرند ما همواره با بسا زان مسائل سخن بمان آوریم که همسایه میدا نند و کسی را برای گفتار آن نیست ملت مبارز ایران ما بر مبنای مسئولیتی که در برابر ما و ما مست احساس میکنیم و با پیروی از موازای شهید بزرگوار رومجا هدکبیرمان بسدر طالقانی در حضور امامت و شما به شرافت کلام الله مجید سوگندتان می دهیم هوشیار رتبه شیدما پیش از این شای تحمل توطئه های را که وسیله فرمائید ما در خود فروخته و دست نشاند اعمال میشود در اندام و بدین وسیله گفتنیها را عرض نموده و تمام محبت مینمائیم. ما بنا ما سلام و در جهت نوام انقلاب اسلامی ایران حقایق را با اطلاع امام خمینی و مقامات مسئول و پیشگاه شما مردم ایران بدینوسیله اعلام میدا ریم و خواهان پیگیری فائ

درفارمک چه گذشت؟

هفته قبل روزنامه ها نوشتند که هوا داران سازمان مجاهدین خلق تهاجمی در نمارک بر اهدا ندا خند و به "تحریک مردم" پرداختند و در نتیجه با ساداران "دخالتم" کردند و بالاخره یکی از افراد مجاهدین سروری مردم و با ساداران اسلحه کشید و تیراندازی کرد و یکی از با ساداران را به قتل رساند. این خبر در روز محض بود و نویسندگان آن حتما "دوره" دروغ پردازی را زیر دست عوامل ساواک گذارنده اند. حقیقت ماجرا چنین است که در اده سیاست حمله به آزادی های دموکراتیک و دستگیری فرزندگان "روزنامه های غیرمجاز" (یعنی روزنامه های سازمان های مترقی و انقلابی)، جمعی از با ساداران در مدبر میا پندتا به چند میرفروش شیرینه در صفحه ۸